بانکداری: فرصت های آینده برای بانکداران آسیای جنوب شرقی

تذهیبی، فریده

چین،شبه قارهء هند و آسیای جنوب‏ شرقی بازارهای جدید مالی دههء آخر قرن بیستم هستند.

پس‏انداز قابل توجه آسیائیها سابقا برای بانکها منبع اعطای‏ وام آسان و در دسترسی بود،به‏ کمک همین منابع وسیع ناشی از پس‏انداز بود که بانکها با کمک‏ اقتصادهای شکوفان آسیا به سرعت‏ رشد کردند.مداخله دولتهای‏ آسیای جنوب شرقی نیز بدلیل‏ قدرت و برتری بانکها بنحو آسان‏تری‏ صورت می‏گرفت بترتیبی که در مورد بانکهای دولتی،مقامات حکومت‏ دخالت مستقیم داشتند و در مورد بانکهای خصوصی نحوهء اختصاص اعتبارات‏ را هدایت می‏کردند.نرخ بهرهء واقعی برای وام‏گیرندگان مورد نظر بسیار پائین و یا شاید منفی بود. اکنون با آزادسازی سیستم بانکی‏ توسط دولتهای آسیائی همه چیز در حال تغییر است.

میزان وامهای هدایت شده و تأثیرات آن بین دولتهای آسیای‏ جنوب شرقی متفاوت بوده است. همانطور که احتمالا اقتصاددانان‏ پیش‏بینی کرده بودند،بانکهای‏ کاملا کنترل‏شدهء چین و هندوستان‏ باعث ترویج عدم کفایت شده و سیستم مالی را تضعیف کردند.اما در کره جنوبی،رشد اقتصادی حتی‏ هنگامی که مقامات دولتی وامها را هدایت می‏کردند،چشمگیر بود. کشورهای دیگر مانند هنگ‏کنگ، سنگاپور و تایلند با بانکهای نسبتا آزادتر رونق گرفتند.یکی از نتایج‏ تفاوت بین سیستمهای بانکی سه‏ کشور اخیر با کره جنوبی این بود که‏ بانکهای آسیا اثرا سودآور بودند در حالی‏که بانکهای کره جنوبی در باتلاق وامهای نامناسب گرفتار شدند.

اختلاف روشهای فوق در کشورهای‏ گوناگون با تغییر ضوابط بتدریج کم‏ می‏شود.مثلا در کره جنوبی و هند آزادسازی نرخ بهره شروع شده است. در تایوان،تایلند و هند برای اولین‏ بار پس از سالها،شروع به اعطای‏ مجوز تأسیس بانک نموده‏اند.حتی‏ بسیاری از کشورها اخیرا رقابت‏ بانکهای خارجی را که قبلا ممنوع‏ کرده بودند پذیرفته‏اند.این‏ تغییرات نتیجهء مستقیم الزامات‏ اقتصادی و نه تغییر ناگهانی به سوی‏ آزادسازی است.همانطور که یکی از تحلیلگران یک بنگاه بورس اوراق‏ بهادار می‏گوید:گرچه اعتبارات‏ هدایت شده گاه در مرحله اول باعث‏ رونق و رشد می‏شود ولی در مقطع‏ خاصی بصورت مانعی برای رشد درمی‏آید.بسیاری از کشورها هم‏اکنون باین نتیجه رسیده‏اند و تشخیص می‏دهند که برای تخصیص‏ اعتبار نیاز به در نظر گرفتن ضوابط بازار دارند".

بانکها نیز با فشارهای رقابتی‏ جدید روبرو می‏شوند.اینجا هم‏ واژهء جادوئی‏"عدم واسطه‏گری‏"1 به کار گرفته می‏شود که بانکداران‏ اروپائی و امریکائی با آن کاملا آشنائی دارند و بانکداران آسیائی‏ تازه شروع به درک معنای آن نموده‏اند. اگر شرکتها بتوانند مستقیما از بازار سرمایه وام بگیرند و سرمایه‏گذاران‏ هم قادر باشند پول خود را مستقیما در بازار اوراق بهادار بگذارند، بانکها نقش سنتی خود را بعنوان‏ واسطه‏ای بین وام‏گیرنده و وام‏دهنده‏ از دست می‏دهند.

مثال تایلند و هندوستان را در نظر می‏گیریم.ظاهرا سیستم بانکی‏ هر دو کشور بسیار متفاوت است. بانکهای تایلند که در یک اقتصاد آزاد عمل می‏کنند،به سودآوری شهرت‏ دارند.رشد اقتصادی سریع و موقعیت حمایت‏شده این بانکها که‏ بعضی عقیده دارند بصورت یک کارتل‏ عمل می‏کنند،باعث شده است که‏ بسیار قوی و سودآور باشند."بانکوک‏ بانگ‏"که بزرگترین بانک تایلند و به عقیده عده‏ای بزرگترین بانک‏ آسیای جنوب شرقی است،در سال‏ 1992 حدود 45% و در سال 1993 حدود 32% سود نشان داده است.

برعکس شرایط فوق،بانکهای‏ هندوستان از سالها ملی بودن وزیر نظر دولت بودن رنج می‏برند... بعبارت دیگر بدلیل این که مجبور شده‏اند به صنایع‏"بیمار"وام‏ بدهند خودشان نیز بیمار شده‏اند. در سال گذشته بطور کلی بانکهای‏ هندوستان زیان‏آور بودند.تنها سیستم بانکی در آسیای در حال‏ توسعه که هنوز با این شرایط روبروست بانکهای هند هستند اما اکنون سیستم بانکی هندوستان هم‏ آماج بازبینی است.قسمتی از بانکهای دولتی هند خصوصی شده‏ و برای بانکهای خصوصی جدید نیز مجوز صادر می‏شود.از طرف دیگر فشار برای وام‏دهی به صنایع بیمار کاهش می‏یابد.مشکلی که هم‏اکنون‏ بانکهای هندوستان با آن روبرو هستند،همان مساله‏ای است که‏ سایرین را هم می‏آزارد،مشکل‏ بازارهای سرمایه نه دخالت دولت.

پدیدهء عدم واسطه‏گری ممکنست‏ هم کیفیت و هم کمیت وامهای‏ بانکها را تغییر دهد زیرا شرکتهای‏ معتبر معمولا قادرند مستقیما به‏ بازار سرمایه رجوع کنند.و بهمین ترتیب سپرده‏گذاران نیز ممکنست جذب سازمانهای دیگر غیر از بانکها بشوند.در هندوستان‏ صندوقهای سرمایه‏گذاری در حال‏ پیشی گرفتن از بانکها هستند. هم‏اکنون بانک دولتی هندوستان، که در سال 1856 تأسیس شده‏ است،تقریبا 40% سپرده‏های‏ بانکی کشور را در اختیار دارد و رقم‏ دارائی‏اش معادل 32 میلیارد دلار است.میزان افزایش دارائی این‏ بانک کمی بیش از میزان رشد اقتصادی است.در حالی‏که‏ صندوقهای سرمایه‏گذاری هندوستان‏ هم‏اکنون 20 میلیارد دلار در کنترل‏ دارند و میزان رشد سرمایه آنها سالانه 25 درصد است.انتظار می‏رود صندوقهای سرمایه‏گذاری‏ سایر کشورهای آسیائی نیز به همین‏ سرعت رشد داشته باشند.

تنها رقیب بانکها بازارهای‏ سرمایه نیست.آزادسازی سیستم‏ مالی امکان رقابت برای بانکهای‏ خارجی را نیز ایجاد کرده است.در تایلند امید این که آن کشور مرکز مالی منطقه هند و چین شود،مقامات‏ کشور را برانگیخت تا"مرکز تسهیلات‏ بین‏المللی‏2بانکی بانکوک‏"را تأسیس نمایند.طبق ضوابط این‏ بانک،بانکهای خارجی می‏توانند وامهای برون مرزی اعطا نمایند. ثابت شده است که بانکهای خارجی‏ در بعضی زمینه‏ها رقبای کارآمدی‏ هستند به نحوی که گرچه فقط 3% میزان سپرده‏ها را دارند اما نیمی از دادوستد ارز خارجی را انجام می‏دهند.

سیستم بانی هند،در مقایسه با استانداردهای آسیائی،بنحوی‏ گسترده بروی خارجیان باز شده است‏ برخلاف تایلند،در هند بانکهای‏ خارجی می‏توانند شعب متعدد باز کنند و در بازار داخلی به رقابت‏ مؤثر با بانکهای هندی بپردازند. بانک هنگ‏کنگ و شانگهای بیش از 20 شعبه در هند دارند،مدیریت‏ این بانکها معتقدند که کشور هند بالقوه هیجان‏انگیزترین بازار خرده بانکی در آسیائی است.

با این حال،به رغم تهدید پدیدهء عدم واسطه‏گری و رقابت‏ خارجیان چشم‏انداز بانکداری در آسیا مطلوب است.در یک بازار مالی در حال طلوع،روی آوردن به‏ عدم واسطه‏گری کمتر از یک بازار مالی پیشرفته نگران‏کننده است‏ زیرا بتدریج که مردم به طرف‏ اقتصاد مدرن کشیده می‏شوند، مشتری جدیدی برای بانکها نیز خواهند شد.ممکنست کارگران‏ طبقه متوسط در بانکوک یا بمبئی‏ وارد بازار اوراق بهادار شوند،اما در دهات میلیونها کشاورز هستند که تنها پس‏انداز می‏کنند و به‏ بازارهای مالی مراجعه‏ای ندارند، برای این‏گونه افراد هنوز باز کردن یک‏ حساب بانکی اولین گام برای ورود به‏ سیستم مالی است.

اقتصادهائی که در حال رشد سریع‏ هستند،وام‏گیرندگان جدید نیز ایجاد می‏کنند.اگر در تایلند و هندوستان بانکها در مورد اعطای‏ اعتبارات به شرکتهای کوچک و متوسطی که خودشان قادر به مراجعه‏ به بازارهای مالی نیستند تخصص‏ پیدا کنند ممکنست گام مفیدی برای‏ کارآئی بانک برداشته باشند زیرا پرتحرک‏ترین نیرو در هر دو این‏ اقتصادها بنگاههای کوچک می‏باشند. در تایلند هم‏اکنون شرکتهای چند میلیارد دلاری وجود دارند که در دهه گذشته نامی از آنها برده‏ نمی‏شد.در هند اکنون که موانع اخذ مجوز و اجازه کارهای مختلف برای‏ دادوستدهای گوناگون از بین رفته‏ است،ممکنست شرکتهای غول‏آسای‏ جدیدی نیز ظهور نماید.اگر بانکها هم برای اعطای اعتبار مجبور به‏ تحقیق در مورد چنین شرکتهائی‏ بشوند باز هم شرایط بهتری ایجاد می‏شود.

آزادسازی مالی نقش شمشیر دولبه‏ را برای بانکها بازی می‏کند.زیرا به‏ آنها آزادیهای جدید نیز اعطا می‏نماید.مثلا بانکهای تایلندی‏ اکنون می‏توانند سهام مختلف را تعهد نمایند.بانکهای هندی فضای‏ آزادی مالی جدید را برای گسترش‏ رشته فعالیتهای خود بکار می‏گیرند. مدیر یکی از بزرگترین مؤسسات‏ مالی هند می‏گوید:"مؤسسه من‏ بخاطر جبران خسارت وام تعداد زیادی‏ از شرکتها،کارهای جدیدی مانند بانک سرمایه‏گذاری و مدیریت دارائی‏ ایجاد کرده است‏".

مزایای بالقوه برای تجدیدنظر در مقررات سیستم بانکی مالزی و سنگاپور روشن‏تر است،در هر دو این‏ کشورها بانکهای بزرگ تجاری دارای‏ بانکهای سرمایه‏گذاری و بازوی بورس‏ اوراق بهادار نیز هستند.در چنین‏ حالتی پدیده عدم واسطه‏گری برای‏ چنین بانکی بهیچ عنوان معنایش‏ از دست دادن کسب و کارش نیست‏ بلکه مفهوم آن انتقال کار از یک قسمت‏ سازمان به قسمت دیگر است.

اجبار بانکها به کارآئی بیشتر در نتیجه فشارهای رقابتی می‏تواند باعث افزایش سود شود.در کمتر جای دنیا مؤسساتی را مثل بانکهای‏ هند می‏توان یافت که به شدت گرفتار کاغذبازی باشند.حتی در بانکهای‏ تایلند نیز کارمندانی را که روی تلی‏ از کاغذ خم شده‏اند می‏بینید این‏گونه‏ روشها کار چند مشتری بانک را عقب‏ می‏اندازد اما متقابلا نشان‏دهنده‏ سود عظیمی است که می‏توان آنرا با تغییر سازمان بدست آورد.منافع‏ حاصل از نوسازی در بانک کشاورزی‏ تایلند که دومین بانک بزرگ کشور می‏باشد کاملا به منصه ظهور رسیده‏ است.در 6 شعبه این بانک که مجهز به دستگاههای کامپیوتری شده‏اند، ادعا می‏شود که میزان معطلی‏ مشتریان تا میزان 60% کاهش یافته‏ است.یکی از تحلیل‏گران بانکی‏ می‏گوی که سیستم بانکی هند در نیمه یک دوره تجدیدنظر ضربتی‏ سه ساله برای بانکداری با حزم و احتیاط است.در این دوره‏ معیارهای حسابداری،مقررات وام‏ دهی،استانداردهای کفایت سرمایه‏ و مسائل مربوط به کارآئی تجدیدنظر می‏شود.او عقیده دارد که با این‏ تجدیدنظرها میزان سود بانکهای‏ هندی سریعتر از سایر نقاط آسیا رشد خواهد کرد.

مخاطرات نوسازی

تغییر جهت از یک سیستم سخت‏ و هدایت شده دولتی بسوی فضائی‏ رقابت‏آمیز مستلزم طرز تفکر جدید است.ناگهان بانکها به متخصص‏ امور اعتباری نیازمند می‏شوند و شرکتها باید سیستم حسابداری‏ پاکیزه‏ای داشته باشند.مدیران‏ بانکهائی که عادت به دستور گرفتن‏ از دولت داشتند اکنون باید با فکر و ایده خودشان بانک را اداره کنند. اگر مقررات جدید با طرز فکر قدیمی‏ مخلوط شود،حاصل خطرناکی‏ خواهد داشت.

مثال اندونزی درس خوبی است. در ابتدای دهه 1980 بیشتر بانکهای‏ اندونزی به دستور دولت و با نرخهای‏ سوبسیدی وام می‏دادند.بازرگانانی‏ که دارای ارتباطات خاص نبودند وام گرفتن را امری محال می‏یافتند. سپس اصلاحات بانکی نرخ بهره را آزاد کرد و بانکهای خصوصی زیادی‏ بوجود آورد.دسترسی به اعتبارات‏ آسانتر شد و رشد اقتصادی را تسریع‏ نمود.اما اندونزی نیز از رسوائیها و سقوطهای بانکی آزار دید. کشور دارای تعداد کافی ناظر بانکی و حسابرس نبود که بتوانند با سیستم‏ جدید کار کنند.مدیران بانکها هنوز تحت تأثیر افراد قدرتمند قرار می‏گرفتند.غلبه بر چنین مشکلاتی‏ سالها بطول انجامید.

بهرحال،در اندونزی هم‏اکنون‏ بانکهائی با ترازنامه سالم هستند. بعضی از این بانکها مثل لیپوبانک‏4 در شرایط جدید آسیای در حال‏ طلوع رشد می‏یابند و منطقه‏ای‏ می‏شوند.رشد تجارت بین کشورهای‏ آسیائی و گسترش آزادسازی در آسیای در حال توسعه،هر روز تمایل‏ بانک مذکور را برای گسترش شعب‏ در سراسر منطقه بیشتر برمی‏انگیزد. اگر با مسئولان بانکهای بزرگ تایلند، سنگاپور و مالزی صحبت کنید می‏بینید خیلی زیاد راجع به گشایش شعب‏ در نقاط جانبی مثل چین و ویتنام‏ صحبت می‏کنند.

با این حال،همین طور که سیستم‏ بانکداری اروپا نیز متوجه شده است، عملیات خرده‏بانکی عمدتا یک‏ فعالیت محلی باقی خواهد ماند. بیشتر بانکهائی که منطقه‏ای شده‏اند، حجم عظیمی از فعالیتهایشان‏ مصروف دادوستد مالی و آذوقه‏رسانی‏ به شرکتهای کشور خودشان می‏شوند. شاید تنها سه بانک یعنی سیتی‏بانک‏ هنگ‏کنگ بانک و استاندارد چارتر امیدهای واقع‏بینانه‏ای برای ایجاد یک شبکه خرده‏بانکی در سراسر آسیا دارند.گرچه آنها نیز به فرایند طولانی این کار وقوف کامل دارند زیرا بیشتر کشورهای آسیائی در مورد تعداد شعب بانکهای خارجی‏ محدودیتهائی ایجاد کرده‏اند. این محدودیت برای بانکهائی که‏ زودتر اقدام می‏کنند مزایائی دارد.

بهرحال بیشتر بانکهای خارجی‏ که به آسیا می‏آیند وسعی به حضور در منطقه دارند اساسا هدفشان‏ پرداختن به امور خرده‏بانکی نیست‏ و بیشتر راجع به امور سرمایه‏گذاری‏ یا مدیریت دارائی علاقمندند بیشتر از همه چیز این بانکها شیفته رشد بازارهای سرمایه این مناطق می‏شوند که بطور روزافزونی برای مشتریان‏ بانکهای عمده جذاب می‏شود. سریع‏الرشدتر از همه اینها بازار بورس‏ اوراق بهادار آسیاست.